



دارد.

در انجمن سینمای جوانان ایران نیز همین مسأله را می بینیم. جشنواره فیلم کوتاه تهران، یکی از معتبرترین جشنواره های کشور در حوزه فیلم کوتاه، توسط این مجموعه برگزار می شود. باید دید چند درصد از تولیدات فیلم کوتاه کشور، تولید انجمن سینمای جوانان ایران است.

در مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی نیز همین طور است. جشنواره سینماحقیقت، یکی از مهم ترین جشنواره های سینمایی مستند کشور است و باید دید چه تعداد از آثاری که تولید خود مرکز هستند، در این جشنواره برگزیده می شوند. در حوزه موسیقی، تئاتر و حوزه های دیگر نیز نمونه های مشابه فراوان است. پیشنهاده من این است که اگر واقعا بزرگواران اعتقاد دارند حوزه تولید باید از حوزه تنظیم‌گری جدا باشد، مجلس شورای اسلامی که هر ساله بودجه تولید را برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصویب می کند، بودجه تولید این وزارتخانه را حذف کند تا ما بپذیریم که وزارت ارشاد فقط تنظیم‌گر است.

اساسا حوزه تنظیم‌گری، حوزه ای نیست که بتوان آن را صرفا به بخش خصوصی واگذار کرد. تنظیم‌گری روشی است که حاکمیت و حکمرانی برای ایجاد تعادل در فضای فرهنگی و اقتصادی کشور در نظر می گیرد. در اجرای این وظایف، تنظیم‌گر نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. اما این به مقدرات این حوزه را به بخش غیرحاکمیتی واگذار کنیم، به نظم نشان می دهد که باید در فهم و نگاه خود ما نسبت به مفهوم حکمرانی تجدیدنظر جدی داشته باشیم.

مثال های این موضوع فراوان است. شما در حوزه تنظیم‌گری که درباره آن صحبت می کنیم، اگر با استدلال مطرح شده بخواهیم موضوع را بررسی کنیم، می توانیم مثال های دیگری بزنیم؛ وزارت بهداشت را در نظر بگیرید که یکی از مهم ترین تنظیم‌گران حوزه سلامت و درمان در کشور است. چقدر بیمارستان دولتی در کشور داریم؟ آیا چون وزارت بهداشت متولی بیمارستان های دولتی است، نباید در حوزه تنظیم بیمارستان های خصوصی وارد شود، چون خودش ذی نفع است؟ یا وزارت صنعت را در نظر بگیرید. صنایع تخصصی متعددی در بخش خصوصی فعالیت می کنند و در عین حال صنایع دولتی نیز وجود دارند. بنابراین این‌که ما مسأله را خیلی ساده کنیم و بگوییم میان تولیدکننده و تنظیم‌گر تعارض وجود دارد، درست نیست.

اگر تنظیم‌گری به درستی انجام شود، می توان هم چارچوب های مدنظر حکمرانی را حفظ کرد، هم حقوق عامه مردم را رعایت کرد، هم حقوق حاکمیت را در نظر گرفت و هم به صورت جدی به حفظ حقوق و تأمین سود و منفعت بخش خصوصی توجه داشت. مگر می شود بخش

خصوصی را از این دایره خارج کرد؟

خود قانون نیز در اینجا به این مسأله توجه کرده است. در اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون اساسی فعالیت های کشور را سه بخش تقسیم کرده است. در بند سوم، قانونگذار در برخی حوزه ها استثناهایی قائل شده است. حوزه رادیو و تلویزیون در اصل ۴۴ مستثناست؛ همان طور که در حوزه سلامت و درمان نیز استثناهایی وجود دارد.

در بندهای دیگر نیز آمده است که برخی فعالیت هایی که در کشور تأثیرات فرهنگی و امنیتی دارند، باید مجوز تأییدمحور داشته باشند. سؤال این است که این مجوزهای تأییدمحور را چه نهادی باید صادر کند؟

اینه نکاتی است که برای من کمی عجیب بود که بزرگواران این گونه به موضوع نگاه می کنند؛ این که یک طرفه بنشینیم و نظر شخصی با نظر یک گروه خاص را ترویج کنیم، درست نیست.

البته من انتقادهای جدی دیگری نیز به این صحبت ها دارم.

مادر حوزه فرهنگ، هنجار رسمی و هنجار غیررسمی داریم. این نگاه که بخواهیم حوزه فرهنگ را بسیار ساده کنیم و بگوییم این بخش رسمی است، آن بخش غیررسمی است و بخش دیگر خصوصی است و بنابراین هرکدام باید در چارچوب متفاوتی فعالیت کنند. به نظم نگاه ساده ای به حوزه فرهنگ است.

مگر می شود در حوزه فرهنگ چنین تفکیکی ایجاد کرد؟ این اتفاق می تواند باعث دوگانگی فرهنگی در کشور شود و اتفاقا کاملا ضدوفاق باشد.

ما از بزرگوارانی که به موضوع وفاق و وحدت در جامعه اعتقاد دارند، انتظار داریم به این نکته توجه کنند که با چنین تفکیک هایی ممکن است جامعه را در حوزه سیاست گذاری فرهنگی دوقطبی کنیم؛ به این معنا که یک بخش رسمی داشته باشیم که دستگاه های حاکمیتی متولی آن باشند و یک بخش خصوصی نیز داشته باشیم که فقط به دنبال گردش بازار و کسب درآمد باشد و کار خودش را انجام دهد. این نگاه کاملا ضدوفاق، ضداتحاد و ضدوحدت عمومی مردم ایران است.

در همه جای دنیا بخش خصوصی ذیل چارچوب مفهومی ای که حاکمیت تعیین می کند، فعالیت می کند. برای مثال، فرض کنید بخش خصوصی در حوزه آموزش و پرورش فعالیت می کند و به دانش آموزان آموزش می دهد. آیا بخش عمومی باید بپاید کتاب های دیگری برای آنها تعیین کند؟ خیر. آموزش و پرورش یک مجموعه کتاب و چارچوب مشخص دارد و چه مدارس دولتی و چه مدارس غیردولتی موظف اند در همان چارچوب فعالیت کنند و دانش آموزان در پایان سال براساس همان محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می گیرند.

مدرسه غیردولتی می تواند امتیازهای دیگری نیز ارائه کند و بگوید من آموزش های بیشتری ارائه می دهم، اما بحث ما درباره اصول است. تنوع در بازار، تنوع در مدل مصرف و تنوع در شکل مصرف کنندگی، بدیهی و روشن است. بنابراین مفاهیم را ساده سازی نکنیم.



نکته دیگری که دوستان در مصاحبه خود مطرح کردند این بود که صداوسیما، چون به رهبری متصل است، از نظارت مستثناست. در حالی که رهبر معظم انقلاب بارها تأکید فرموده اند که نظارت بر سازمان صداوسیما باید مانند سایر دستگاه ها انجام شود.

مسئول سازمان صداوسیما، رئیس سازمان است و صرفا انتخاب و حکم او توسط رهبری انجام می شود. خود ایشان نیز در ادوار مختلف نسبت به عملکرد سازمان صداوسیما انتقاد داشته اند. اصلا شورای نظارت بر سازمان صداوسیما برای چه تشکیل شده است؟ وظیفه آن همین نظارت است.

این که ما تصور کنیم هر خطایی که در صداوسیما رخ می دهد، به نام رهبری نوشته می شود، اصلا چنین نیست. صداوسیما باید نسبت به عملکرد خودش پاسخگو باشد.

یا درباره نمایش خانگی فرمودند که این حوزه وقت صداوسیما را می گیرد. باز هم این گونه نیست. صداوسیما سالانه بیش از ۱۰۰ سریال تولید می کند. حال این که ۴۰ یا ۴۵ سریال در حوزه نمایش خانگی تولید می شود، باری به فعالیت صداوسیما اضافه نمی کند. این دو بخش اساسا از یکدیگر جدا هستند.

بخش تولید صداوسیما کار خودش را انجام می دهد و بخش ساترانیز که یک معاونت مجزا است، وظیفه خود را انجام می دهد و از دانش و تجربه ای استفاده می کند که سال های سال در سازمان صداوسیما نهادهینه و انباشته شده است.

تعریف من به عنوان کسی که ارادت ویژه ای به آقای وزیر دارم، خواهش می کنم این موضوعات به راحتی و با ساده انگاری و ساده سازی کنار گذاشته نشود.

موضوعاتی که مطرح می شود، پشتوانه و تحلیل های جدی فرهنگی دارد. این که ما با کلی گویی و ساده سازی موضوعات بخواهیم از کنار آنها عبور کنیم، به نظم جفا در حق مردم، فعالان بازار، حاکمیت، قانون و در نهایت نظام است. به نظم باید تحمل و دقت بیشتری در این زمینه داشته باشیم.

۴۱ موضوع دیگرین که مجلس شورای اسلامی نیز به این مساله ورود کرده و در حال حاضر طرحی را در دست تصویب دارد. می خواستم دیدگاه جنابعالی را درباره این طرح که **مجلس و به ویژه کمیسیون فرهنگی روی آن کار می کنند** جويا شوم. همچنین به نظر می رسد ریشه اصلی مناقشات همچنان به همان مفهوم «صوت و تصویر فراگیر» بازمی گردد؛ تعریف مشترکی که شاید هنوز میان ساترا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جا نیفتاده است. مايلم تعريف مشترک مدنظر شما را در این باره بدانم؛ زیرا به نظر می رسد تا زمانی که این فهم و تعریف مشترک شکل نگیرد، حتی در صورت تصویب طرح مجلس نیز با این دست فرمانی که در حال حاضر ماجرا پیش می رود، شاید آن قانون مصوب مجلس هم نتواند آن طور که باید و شاید به درستی به مرحله اجرا برسد.

در مورد طرح مجلس بگویم ورود کمیسیون فرهنگی مجلس به این موضوع واقعا قابل تقدیر است. ما شاهد بوده ایم که چه اهمیت و دغدغه ای نسبت به ساماندهی این فضا، به ویژه در حوزه های حمایتی، وجود دارد.

مجلس وظیفه داشته است این موضوع را پیگیری کند و این مساله نیز ذیل برنامه هفتم توسعه به مجلس تکلیف شده است. بنابراین موضوعی نبوده که مجلس از ابتدا و به صورت خودانگیخته وارد آن شده باشد؛ بلکه یک تکلیف قانونی بوده و مجلس در حال انجام وظیفه خود است. در خصوص جزئیات طرح نیز به نظم بهتر است خود دوستان مجلس صحبت کنند، اما ما به عنوان شرکت کننده در جلسات، نظرات خودمان را مطرح کرده ایم و جمع بندی نهایی بر عهده نمایندگان محترم مجلس است.

اما درباره تعریف «صوت و تصویر فراگیر» که فرمودید، باید بگویم که چرا این موضوع به مساله اصلی تبدیل شده است؟ تعریف صوت و تصویر فراگیر، علیرغم تنوع در این حوزه در مبانی اصلی خود با اختلاف نظر جدی مواجه نیست.

من این اختلاف را بیشتر پنهان جویی می دانم. باید موضوع به یک چارچوب مشخص، قانونمند و قاعده مند برسد.

در حوزه صوت و تصویر فراگیر نیز مؤلفه های مختلفی وجود دارد. هر آنچه در فضای مجازی تولیدکننده مشخص، قابلیت دسترسی و نحوه انتشار مشخص داشته باشد، می تواند در این حوزه قرار بگیرد و مؤلفه های متعددی در تعریف آن دخیل است.

البته ما حوزه های مختلفی داریم. پیام رسان ها یک حوزه هستند، نمایش خانگی بخش دیگری است و سکو هایی که خدمات مختلفی ارائه می کنند نیز حوزه دیگری هستند. هرکدام از اینها فعالیت های خاص خود را دارند.

به نظر من مشکل اصلی، اجماع بر سر تعریف نیست. مشکل اصلی این است که نگاه ما به مقوله فرهنگ و اجتماع در کشور چیست. مساله اصلی این است که آیا نگاه های باندی، حزبی و گروهی ما با قوانین تخصصی کشور و اسناد بالادستی تطبیق دارد یا نه. این مسئله بسیار مهم تر از آن است که بخواهیم صرفا بر سر تعریف یک واژه بحث کنیم.

هر تعریفی که ارائه کنید، در نهایت ممکن است درباره آن مناقشه وجود داشته باشد. اما در حال حاضر، آنچه شورای عالی انقلاب

فرهنگی تعریف کرده است، وجود دارد. بنابراین می توانیم تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی را مبنای قرار دهیم.

مجلس نیز در حال بررسی موضوع است و هر تعریفی که در نهایت به آن برسد، حاصل تجمع نظرات مختلف خواهد بود. اما مهم این است که این تعریف، ضمانت اجرا داشته باشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی اسناد مشخصی دارد و اسناد آن برای ما محترم، قابل توجه و لازم الاجراست و ما نیز بر اساس همین اسناد عمل می کنیم. در خصوص ماده واحده ۸۸۳ نیز باید دو نکته را عرض کنم.

در آنچه میان ما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشخص شده، متأسفانه دوستان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بخشی از وظایف خود عمل نکرده اند. برای مثال، بندی وجود دارد که بر اساس آن باید برای نحوه اجرای برخی موارد، آیین نامه و روش اجرایی تدوین شود.

ما پیش نویس خودمان را ارائه کرده ایم و چندین بار نیز ارسال کرده ایم. متأسفانه هیچ متنوبی از سوی وزارت ارشاد، علیرغم اینکه وزیر محترم دو نماینده معرفی کردند تا جلساتی برگزار شود، ارائه نشده است. جلسه برگزار کردن و صرفا دور هم نشستن و دیدار مجدد و حتی جای خوردن با یکدیگر خوب است، اما باید در این جلسات کار مشخصی نیز انجام شود.

سازمان صداوسیما پیش نویس خود را ارائه کرده و نگاه خود را نسبت به این حوزه مطرح کرده است. انتظار ما این است که دوستان وزارت ارشاد نیز شاهد همین کار را انجام دهند و دیدگاه خود را به صورت مکتوب ارائه کنند.

به نظر ما، در حال حاضر در این حوزه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ترک فعل اتفاق افتاده است. سازمان یازسی نیز وارد موضوع شده و تذکر داده. اما همچنان ما اتفاق مشخصی را از سوی دوستان مان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی بینیم.

نکته دیگر مربوط به ماده واحده ۸۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی و جلسات متعددی است که برای تدوین «سند سیاست ها و ضوابط و الزامات حوزه صوت و تصویر فراگیر» برگزار شده است.

کار این سند در شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی در آبان ماه سال گذشته به پایان رسیده و آقای دکتر خسروپناه نیز در مصاحبه ای اعلام کردند که از آبان سال گذشته منتظر ابلاغ رئیس جمهور

است.

به نظر ما این یکی از کارهای مهم زمین مانده در حوزه ساماندهی فضای مجازی است. در سال ۱۴۰۵ نیز شاهد ورود هیات محترم دولت به حوزه هایی بودیم که بر اساس آن مقرر شده بود ستادهای راهبری در فضای مجازی تشکیل شوند و موضوعات دیگری نیز در این زمینه مطرح شد.

بسیار عجیب است که آنچه در شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده و اتفاقا نمایندگان خود دولت محترم نیز در جلسات آن حضور داشته اند، از آبان ماه تا کنون معطل ابلاغ مانده است. اگر این ابلاغ اتفاق بیفتد، با توجه به این که سند مذکور در یک شورای عالی بالادستی نظام مورد بررسی و تأیید قرار گرفته می تواند کمک بسیار زیادی به ساماندهی این وضعیت کند. هر روزی که ابلاغ این سند به تأخیر می افتد، به نظم من خسارت هایی به فضای مجازی کشور وارد می شود؛ از کسب و کارها و حقوق مردم گرفته تا ظرافت هایی که در حوزه تنظیم‌گری وجود دارد. امیدواریم این اتفاق هرچه زودتر رخ دهد و این موضوع تعیین تکلیف شود.

۴۲ در چند سال اخیر شاهدیم هوش مصنوعی وارد تمامی ابعاد زندگی شده و اخیرا نیز این خبر منتشر شد که نخستین سریال تولیدشده با هوش مصنوعی قرار است در پلنترم ها به نمایش درآید. می خواستم درباره موضوع هوش مصنوعی و آثاری که با این فناوری تولید می شوند بپرسم؛ آیا در مجموعه ساترا نیاز به تدوین قوانین و مقررات جدیدی وجود دارد، یا از دیدگاه شما قوانین و مقررات فعلی پاسخگوی ورود این فناوری نوظهور هست؟

حوزه ی فضای مجازی همواره با پیشرفت تکنولوژی در جهان پهلومی زند و همگام پیش می رود. یکی از اصول و مؤلفه های بنیادین در حوزه تنظیم‌گری این است که اساسا نهاد تنظیم‌گر در حوزه فناوری باید همواره از زیست بوم تحت نظارت خود جلوتر و پیش گام تر باشد. وضعیت فعلی ما در این عرصه جای کار فراوانی دارد؛ زیرا زمینه ها و بسترهایی وجود دارد که حتما باید کارفروانی دارد؛ به شاخص ترین آنها همین پدیده «هوش مصنوعی» است.

هوش مصنوعی به عنوان پدیده ای که جهان مدرن امروز به آن دست و پنجه نرم می کند و در حوزه های گوناگون نفوذ کرده، الزامات

عمل به میثاق ملی کشور

حوزه تنظیم‌گری عرصه ای است که با فعالیت صرف یک دستگاه، یک نهاد یا یک سازمان در کشور محقق نمی شود. این مقوله ابعاد گوناگونی دارد؛ یک بُعد اقتصادی جدی دارد که مستلزم همکاری بخش های اقتصادی کشور است. سایر دستگاه های فرهنگی کشور نیز واقعا باید همراهی داشته باشند تا در تعامل با یکدیگر بتوانیم به یک الگوی اجرایی و عملیاتی دست یابیم؛ الگوی که نباید آن را بر اساس تعاریف شخصی بنا کنیم، بلکه باید آن را منطبق بر اولویت های حکمرانی فرهنگی در کشور تنظیم و ارزیابی کرد. ما نباید بخش خصوصی و تعریف از آن را در تقابل با ساختارها و هنجارهای رسمی ببینیم؛ این دو بخش مکمل یکدیگرند. چه بسا در حوزه هایی، بخش های رسمی ما به دلیل محدودیت امکانات یا به جهت شکل و مدل پرداخت و ساختار اجرایی، توان ورود نداشته باشند، اما بخش خصوصی بتواند به خوبی ورود کند. اینها به هیچ وجه نافی یکدیگر نیستند و ایجاد دوگانگی، خط کشی و نقطه گذاری تعارضی میان آنها کاملا نادرست است. در حوزه فرهنگ-همان طور که در تمام دنیا نیز مشاهده می شود-نباید شاهد تعارض و دوگانگی در زمینه ضوابط اجرایی و ضمانت های اجرایی باشیم. انتظار ما این است که قوه



رسانه

MEDIA

چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۰۶

و اقتضانات ویژه خود را دارد؛ به ویژه در حوزه تولید محتوا، صنعت سرگرمی سازی و به طور خاص در حوزه صوت و تصویر که بسیار کاربردی و تأثیرگذار است. با توجه به سرعتی که در حوزه هوش مصنوعی در سطح دنیا شاهد آن هستیم- و البته فاصله ای که تا رسیدن به آن نقاط داریم- همه این موارد اقتضانات خاص خود را ایجاب می کند.

قوانین فعلی ما قطعاً در بخش هایی از این حوزه دارای نقش و کارکرد است؛ هرچند حجم تولیدات مبتنی بر هوش مصنوعی در کشور در مقطع کنونی آن چنان گسترده نیست که بگوییم قوانین و مقررات فعلی مان اصلا پاسخگو نیستند. خیر، مقررات فعلی پاسخگوی شرایط حاضر است؛ اما اینکه ما نباید از روند شتابان پیشرفت فناوری عقب بمانیم، موضوعی مجزا و بسیار حیاتی است.

در خصوص زمینه هایی که پیش بینی می کنیم در زمانی نه چندان دور به موضوع اصلی فعالیت بدل شوند، در حال حاضر جلسات کارشناسی متعددی در دست برگزاری است و چارچوب ورود به حوزه هوش مصنوعی و موضوعاتی که باید مد نظر قرار گیرند در حال تدوین است. علی القاعده بخشی از فرایندهای این حوزه نوظهور با آنچه اکنون در ساختار اجرایی خود داریم، تفاوت های بنیادین و جدی دارد که ان شاء الله پس از نهایی شدن، این ضوابط و چارچوب ها به صورت عمومی در درگاه رسمی سازمان منتشر خواهد شد تا برای فعالان این حوزه قابل مشاهده و بهره برداری باشد.

۴۳ اگر بخواهیم مهم ترین اولویت های ساترا را در بازه زمانی یک سال آینده تبیین بفرمایید، به چه محورهایی اشاره خواهید کرد؟

آنچه علاوه بر برنامه های کوتاه مدت، از سوی سازمان نیز از ما خواسته شده، تدوین برنامه ای جامع برای اقی پنج سال آینده است؛ مبنی بر این که چه چشم انداز و افقی را در حوزه تنظیم‌گری متصور هستیم. علی القاعده، پیشرفت های فناوری و نسبتی که ما با این فناوری ها برقرار می کنیم، بسیار حائز اهمیت است؛ بحث تنوع بخشی در بازار نیز اهمیت دارد. همچنین احقاق بخش هایی از حقوق عامه ی مردم که بر زمین مانده، محور مهمی است؛ ما باید تمام تلاش خود را به کار ببندیم تا وظیفه ی خود را نسبت به مردم، امنیت روانی و آسایش خاطر جامعه به انجام برسانیم و در هر بخشی که ضعفی وجود دارد، آن را برطرف کنیم. در حوزه اقتصادی نیز کمک به فعالان بازار اهمیت بالایی برای ما دارد؛ به ویژه در زمینه ایجاد مشوق های اقتصادی از مباحث مالیاتی گرفته تا ارائه تسهیلات گوناگون. از جمله موارد مهم در این حوزه، سندی است که تحت عنوان «سند تسهیم درآمد ترافیک از اپراتورها» در مرکز ملی فضای مجازی در دست تدوین قرار دارد؛ بر این اساس، درآمدهایی که در این فرآیند محاسبه می شود، باید صرف حمایت و کمک به تولیدکنندگان محتوای سالم در کشور شود و وظیفه مدیریت آن در حال واگذاری به نهادهای تنظیم‌گر است. از آنجا که تنظیم‌گری بخش نمایش خانگی بر عهده ساترا قرار دارد، این مساله بسیار کلیدی است و ما در حال برنامه ریزی هستیم تا مشخص کنیم چگونه می توانیم از فعالان و تولیدکنندگان محتوای سالم حمایت به عمل آوریم.

این حمایت نیز جنبه های گوناگونی دارد؛ از حوزه قانون گذاری و تسهیل در قوانین و فرایندها گرفته تا سایر بخش ها، همگی جزو اهداف و اولویت های اصلی ما هستند تا به آنها دست پیدا کنیم. با این همه، اولویت اصلی ما همچنان «تنظیم‌گری محتوایی» است؛ تا مردم محصولی امنپنای بخش و سالم را در اختیار داشته باشند و بتوانند با آرامش خاطر و به راحتی از تماشای یک محصول فرهنگی لذت ببرند. این امر نیاز جدی و مسلم خانواده های ایرانی و فرهنگی اولویت ماست. مباحثی همچون خلاقه های فرهنگی که به آن اشاره شد، از اولویت های اساسی ما به شمار می آید. ان شاء الله در ماه ها و سال های آینده تلاش خواهیم کرد تا در این مسیر به نقطه ای که از نظر خودمان قابل قبول تر و اثرگذارتر باشد، دست یابیم.



در حوزه صوت و تصویر فراگیر مؤلفه های مختلفی وجود دارد. هر آنچه در فضای مجازی تولیدکننده مشخص، قابلیت دسترسی و نحوه انتشار مشخص داشته باشد، می تواند در این حوزه قرار بگیرد و مؤلفه های متعددی در تعریف آن دخیل است



انتظار داریم از بزرگوارانی که به موضوع وفاق و وحدت در جامعه اعتقاد دارند، به این نکته توجه کنند که با برخی تفکیک ها که انجام می دهند ممکن است جاعده ساختار را در حوزه فرهنگی دوقطبی کنند